

خود باوری و سازگاری تیزهوش

ناصرالدین کاظمی حقیقی

«عقیده» فرد تحت تأثیر توانایی وی قرار دارد و خودش می‌تواند بر روی روابط فرد با دیگران اثر بگذارد؛ پس روابط اجتماعی شخص، بستگی به اعتقاد وی در باره توانایی اش دارد.

«توانایی» یک فرد حتی اگر از هوش و نخبگی بالایی برخوردار باشد، محدود و خاص است؛ یعنی این طور نیست که در ابعاد و زمینه‌های مختلف و پراکنده از قابلیت‌های بسیار بالایی برخوردار باشد. بنابر این هر فرد هوشمندی دارای توانایی ویژه‌ای در یک زمینه است و در دیگر جنبه‌ها ممکن است در سطح عادی باشد و یا حتی در برخی از زمینه‌ها، احتمال ضعف و ناتوانی وجود دارد.

به اندازه شناخت یک فرد از توانایی اش، باور و اعتقادی خاص نسبت به خودش ایجاد می‌شود. اگر این اعتقاد، واقع بینانه و راسخ باشد. خودباوری نیرومندی به وجود می‌آید و آن فرد در سطح اجتماع برای خود، قلمرو خاصی قائل می‌شود. چنین امری در واقع حد و مرز فرد را از دیگران تعیین می‌کند و باورهایی در او نسبت به دیگران پدید می‌آورد. اگر اطرافیان فرد تیزهوش و نخبه این حد و مرز خاص را بپذیرند، زمینه برای برقراری روابط اجتماعی مساعد می‌شود و همین طور برقراری روابط اجتماعی به فرد یاری می‌دهد تا خودش را با محیط زندگی اش هر چه بیشتر سازگار کند و بی‌تردید، سازگاری محیطی، بخش مهمی از رضایت کلی در زندگی فرد محسوب می‌شود. پس هر فرد تیزهوش و دارای توانایی

برجسته نیز به این سازگاری نیاز دارد.

همزمان با ایجاد «خودباوری»، «دیگر باوری» نیز شکل می‌گیرد؛ اعتقاد به مرزهای وجودی دیگران و پذیرش آن از سوی فرد تیزهوش، میزان برقراری روابط اجتماعی و سازگاری محیطی او را تعیین می‌کند. از سوی دیگر جامعه اگر می‌خواهد از تواناییهای برجسته نخبگان خود برخوردار شود، باید به اعتقادات فردی و خودباوری آنها توجه کند؛ این امر باعث سازگاری متقابل می‌شود. پس میزان سازگاری اجتماعی یک فرد نخبه و هوشمند به خودباوری و دیگر باوری او و نیز عقیده جامعه در باره اش بستگی دارد. خودباوری به معنای دیدگاه و اعتقاد فرد نسبت به خودش است و سازگاری در واقع هماهنگی میان نیازهای درونی و مقتضیات و انتظارات برونی از طریق جریانی که در جهت نیل به این شرایط مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

عوامل متعددی در تحقق و شکل‌گیری سازگاری دخالت دارند اما یکی از پرسشهای همیشگی به رابطه میان خودباوری و سازگاری اشاره داشته است و هنوز هم این موضوع بسیاری از بررسیهای روان‌شناختی بویژه در قلمرو تیزهوشی است.

کمیابی نخبگی مرکب

می‌دانیم که خودباوری مرتبط با نخبگی و تیزهوشی است و تیزهوشی نیز دارای نوع و اقسام مختلفی است؛ استعداد تحصیلی، خلاقیت، رهبری، تیزهوشی حرکتی و نخبگی کلامی، گونه‌های مهمی هستند که تا به حال شناخته شده‌اند. مطالعات گذشته به اندازه کافی نشان داده‌اند که با افزایش هوش، تفاوت‌های فردی بیشتر می‌گردد. پس در نتیجه، تداول و شیوع و رواج پدیده توانمندی مرکب و قابلیت‌های چندگانه، بسیار کم و نادر خواهد بود؛ یعنی به سختی می‌توان فردی را یافت که از تیزهوشی رهبری، خلاقیت و تحصیلی در کنار هم برخوردار باشد حتی موارد تیزهوشی رهبر خلاق نیز بسیار اندک یافت می‌شوند چنان‌که مطالعات نشان می‌دهند:

یک بررسی بروی هزار دانش‌آموز تیزهوش که در یک درصد بالای منحنی واقع بودند، براساس آزمون قابلیت تحصیلی *SAT*، مطالعه ارزشها، و رغبت سنج هالند نشان داد که پدیده توانمندی چندگانه، در میان نوجوانان تیزهوش (زیر ۵

درصد بالا) شیوع اندکی دارد»^۱

استعداد تحصیلی و سازگاری

اگر کمیابی و ندرت پدیده‌ی نخبگی چندگانه را بپذیریم، طبیعی است تا انواعی از تیزهوشی یافت شوند که با محیط خود ناسازگار باشند- لذا مطالعات آشکار می‌کنند که قابلیت تحصیلی امری مستقل از سازش یافتگی محیط است:

«اثر قابلیت تحصیلی بر روی سازش یافتگی روانی و اجتماعی در میان یکصد و پنجاه و یک دانش‌آموز پایه دوم در یک مرکز آموزشی ویژه تیزهوش، دوپست و شصت و چهار دانش‌آموز پایه‌های پنجم تا یازدهم (در آستانه ورود به یک برنامه غنی‌سازی تابستانی در دانشگاه) و شصت دختر دوازده تا هفده ساله بررسی شد. دانش‌آموزان یک نیم‌رخ خودنگری، تعرفه رفتار کودک، «مقیاس هوشی تجدید نظر شده و کسلر برای کودکان»، «مقیاس اضطراب رینولدز» یا «فهرست شخصیتی کالیفرنیا» را تکمیل می‌کردند. نتایج تحلیلهای رگرسیون چندگانه، شواهد اندکی برای وجود رابطه میان نمرات قابلیت و سازش یافتگی به دست داد»^۲.

یعنی کفایت و شایستگی تحصیلی، ارتباطی با سازگاری اجتماعی ندارد. همان قدر که ناسازگاری اجتماعی در میان ناتوانان تحصیلی وجود دارد، در میان دانش‌آموزان پیشرفته تحصیلی نیز یافت می‌شود. از سوی دیگر، قابلیت تحصیلی لزوماً مانع بروز اضطراب و عدم تعادل روانی نمی‌شود. توانایی تحصیلی فرد برای رفع اضطراب و ایجاد آرامش روانی، کفایت نمی‌کند و نیاز به وجود عوامل دیگری دارد. به طور کلی تعادل شخصیتی جوانان و نوجوانان نیز ربطی به کفایت تحصیلی آنها ندارد. بخش قابل ملاحظه‌ای از دانش‌آموزانی که دچار تشویش روانی و ناسازگاری اجتماعی هستند، ممکن است از استعداد تحصیلی فوق العاده‌ای برخوردار باشند.

خود باوری و مقایسه

سازش یافتگی اجتماعی نیازمند وجود مهارت و استعداد ویژه‌ای است که احتمالاً

از عهده هر فردی بر نمی آید. پس وجود نخبگی خاصی را می طلبد. اگر بپذیریم که پدیده نخبگی مرکب، امری نادر و کمیاب است، در واقع به این معناست که تیزهوشی و استعداد خاص و یا تک بعدی، شیوع و رواج دارد؛ پس باید هر فردی به درک استعداد و توانایی ویژه اش بپردازد. دریافت این ویژگی معمولاً از طریق مقایسه و به ویژه مقایسه همسالی بدست می آید؛ چنان که برخی از بررسیها متذکر می شوند:

«بر پایه نظریه مرجع (متعلق به سازش ۱۹۸۶)، دو جنبه درونی و برونی تعیین کننده خود باوری دانش آموزان مستعد تحصیلی است:

- ۱- مقایسه هایی که از حیث توانایی درونی در طی تحصیل به عمل می آید.
 - ۲- مقایسه هایی که از حیث توانایی برونی در ارتباط با همسالان انجام می گیرد.
- برای تعیین میزان کاربردی بودن این نظریه، خودباوری کلامی و ریاضی و ابزارهای پیشرفت تحصیلی در میان یکصد و سه دانش آموز پایه نهم تحصیلی اجرا شد. نتایج بررسی نشان داد که هر دو جریان درونی و برونی بر روی خود باوریهای دانش آموزان تأثیر می گذارد».

این که یک فرد بتواند از عهده انجام کاری به خوبی بر آید، خودباوری اش را افزایش می دهد اما این خودباوری ممکن است بیشتر نیز شود؛ یعنی هر چه موقعیت مقایسه همسالی فراهم آید، فرد دریابد که در مقایسه با همسالان از توانایی برتری برخوردار است، اعتقادش را نسبت به او افزایش می دهد. پس خودباوری مبتنی بر نوعی خود شناسی تطبیقی است: شناخت فرد در مقایسه با دیگران و نوعی دیگر شناسی (ولو اجمالی) نیز وجود دارد و خود باوری ملازم دیگر باوری است. بر این اساس هرگاه، موقعیتی برای مقایسه خود با دیگران به دست نیاید، خودباوری به خوبی شکل نمی گیرد و تنها راهی که باقی می ماند، بررسی درونی نسبت به انجام یک کار و یا تکلیف است.

خودباوری در شرایطی نازل می شود که یک فرد قادر به انجام فعالیت برجسته ای نباشد و در مقایسه با همسالان، خودش را ضعیف تر بباید.

با این توضیح، تکوین و پدید آیی خودباوری بستگی به وجود انسانهای دیگر و اصولاً محیط اجتماعی دارد. اما آیا این خودباوری می تواند موجب افزایش سازگاری اجتماعی شود؟

هدفمندی

بی تردید برای تحقق سازگاری اجتماعی، وجود درک اجتماعی و هویت‌یابی محیطی، موارد لازمی هستند. خودباوری و عوامل اجتماعی از دو سو موجب شکل‌گیری عزت نفس (خود ارجدهی) می‌شوند. خودباوری، شرایط را برای خودپذیری فرد ایجاد می‌کند و اجتماع نیز امنیت و پیوندجویی می‌دهد و هر سه این مفاهیم (خودپذیری، امنیت و پیوندجویی) از عناصر اساسی «خود ارجدهی» به شمار می‌آیند. بنابراین این با شکل‌گیری خودباوری، زمینه پدیدآیی «خود ارجدهی» فراهم می‌شود و با پیوندجویی، بر میزان خود ارجدهی، افزوده می‌گردد.

نقطه جوشش خود و محیط، «تعهد» (هدفمندی) است. این هدفمندی و تعهد را یک تیزهوش باید از درون بطلبد و بخواهد و از سوی دیگر، محیط اجتماعی نیز از آن حمایت کند. پس تعهد و هدفمندی که خود از عناصر «خود ارجدهی» محسوب می‌شود، یک بُعد فردی و یک جنبه اجتماعی دارد.

اگر هدفمندی فرد تیزهوش با واقعیت‌های محیط اجتماعی و جهان خارج هماهنگی و انطباق نداشته باشد، تحقق عینی نمی‌یابد و صرفاً در ذهن و مخیله فرد باقی می‌ماند. مناعت طبع و بلند همتی نخبگان، باعث افزایش سازش یافتگی آنها می‌شود و آنها را از وادی خیال و جهان بی‌هویتی (استغراق در محیط) رهایی می‌بخشد. پس تعهد و هدفمندی از یک سو به فرد هویت می‌بخشد. و به اصالت هویت فردی ارزش می‌دهد و از طرف دیگر، نقش و وظیفه خطیر فرد را در محیط اجتماعی‌اش روشن می‌کند. با این توضیح، تعهدپذیری و هدفمندی نخبگان، پایه و اساس پیوند خودباوری و سازگاری محیطی است.

منابع

- 1- Achter, John etal (1996) *Multipotentiality among the intellectually gifted: It was neverthere and already it's Vanishing. Journal of Counseling Psychology* 43 (1) 65 - 76.
- 2- Oram, Guy etal (1995) *Relations between academic aptitude and Psychosocial adjustment in gifted program students. Gifted Child Quarterly.* 39 (4) 236-244.
- 3- Williams. Janice E. & Montgomery, Diane (1995) *Using frame of reference theory to understand the self- concept of academically able students. Journal for the Education of the Gifted,* 18 (4). 400-409.